



راه حل چهارم: جواب مرحوم اصفهانی

مرحوم اصفهانی بر مرحوم آخوند اشکال کرده است که «جمع لحاظین آلی و استقلالی» به هیچ وجه مطرح نیست و آنچه مطرح است، اشکال دیگری است. ایشان در تبیین اینکه جمع لحاظین مطرح نیست می نویسد:

«لا یذهب علیک أن القطع و الظن حین تعلقهما بشیء طریق صرف، و لیس الملحوظ فی تلک الحال علی وجه الأصالة و الاستقلال إلاّ ذلک الشیء، و القطع مثلا نحو حضور المعنی عند

النفس و هو معنى لحاظه. و ليس للقطع لحاظ لا آلياً و لا استقلالياً بل هو عين لحاظ الغير، فليس كالمرآة حتى يعقل أن ينظر فيها إلى شيء فتكون منظورة بالتبع، بل القطع عين لحاظ الذهن و نظره إلى المعلوم. بل القطع كما لا يكون ملحوظاً آلياً كذلك ليس آلة، لعدم تعقل كون لحاظ الشيء آلة للحاظه، كما لا يعقل أن يكون آلة لذات الشيء أو لوجوده الخارجي.^۱

توضیح:

۱. [اگرچه می‌توان به قطع و ظن لحاظ استقلال‌ی داشت ولی آنها را اصلاً نمی‌توان به نحو آلی لحاظ کرد

چراکه:

۲. وقتی ما به مظنون و مقطوع توجه می‌کنیم (و آنها را لحاظ می‌کنیم) اصلاً قطع و ظن مورد لحاظ آلی واقع

نمی‌شوند. بلکه آنها همان لحاظ هستند

۳. پس قطع (و ظن) مثل آینه نیستند که برای دیدن خود، باید آنها را به نحو آلی لحاظ کرد

۴. و حتی می‌توان گفت قطع نه تنها ملحوظ آلی نیست بلکه «آلت برای لحاظ مقطوع» هم نیست

۵. [پس در آینه، یک انسان وجود دارد که به آینه نگاه می‌کند، و یک آینه و یک تصویر که در آینه است

در ذهن هم یک انسان وجود دارد که به صورت ذهنیه (معلوم بالذات) نگاه می‌کند و در آن صورت

خارجیه (معلوم بالعرض) را می‌بیند و قطع هیچکدام از این‌ها نیست. پس قطع نه ملحوظ آلی است و نه

آلت لحاظ است بلکه قطع خود لحاظ است]

۶. و اصلاً معقول نیست که «لحاظ یک شیء»، آلت برای لحاظ آن شیء شود و یا آلت برای وجود خارجی

آن شیء شود و یا آلت برای ماهیت و ذات آن شیء شود.



^۱. نهاية الدراية، ج ۳، ص ۵۱